

بسم الله الرحمن الرحيم

به سوی بی نهایت

دین فطری

خلاصه جلسات اول و دوم

مباحث دین فطری کمک خواهد کرد که ما به یک بسته اعتقادی برسیم، بسته ای که هم به مسائل اعتقادی، باورها، رفتارها و اخلاق می پردازد و هم سلوک اجتماعی و خط مشی سیاسی ما را روشن می کند.

برای اینکه به صورت صحیح بنای دینی را ابتدا در وجود خودمان ایجاد بکنیم، باید بدانیم که فاکتورهای لازم یا اصول لازم برای ایجاد بنای دین چه چیزی هست، همینطور که یک بنای مسکونی یک سری اصولی دارد که ما باید این اصول را رعایت بکنیم تا این بنای مسکونی به درستی ایجاد شود و از خطرات آینده در امان باشد؛ همین طور بنای دین ما هم باید طبق یک اصولی باشد که اگر بنای دین ما طبق اصول نباشد مثل یک ساختمان مسکونی که اگر روی اسلوب و اصول مهندسی ساخته نشود، بعدا در مقابل هر زلزله ی کوچکی ممکنه که این ساختمان بلرزد بنای دین ما هم در وجود خودمان و یا در جامعه مان اگر مقاوم نباشد، با کوچکترین زلزله می لرزه مخصوصا امروز که ما مواجه هستیم با سیل تهاجماتی که علیه دین دارد میشود.

مقایسه ارکان ساختمان یا ارکان دین		
توضیح	دین	ساختمان
این زیر ساخت خیلی مهم است بقدری که اگر این زیر ساخت وجود نداشته باشد شیک ترین بنا و بهترین بنا را هم شما بسازید خیلی زود فرو می ریزد. زیرساخت دین با عقل حاصل می شود.	شناخت هستی شناسی، انسان شناسی، خدا شناسی	شناژ یا فونداسیون
بعد از قرار دادن فونداسیون محکم ساختمان روی آن ساخته می شود. پس از حصول شناخت با عقل، ایمان که با قلب و احساسات همراه است بر روی این زیرساخت قرار می گیرد.	ایمان	اسکلت
نماز، روزه، زکات، حج، زیارت و مناسک هر یک از ادیان نمای بیرونی آن می باشند.	احکام، آداب و مناسک دینی	نمای بیرونی
صداقت، عدالت، ایثار، عفاف	اخلاقیات، روحیات و ملکات نفسانی	تزئینات
حفاظت از ساختمان با شناخت چیزهایی است که به ساختمان صدمه می زند و چیزهایی که باعث استحکام آن می شود مثل در و پنجره، نفوذ آب در پایه ها و ... حفظ ساختمان دین با ولی شناسی و دشمن شناسی حاصل می شود.	ولایت و برائت	حفاظت و ایمنی
همانطور که ساختمان بدون داشتن هیچ یک از این پنج قسمت کامل نمی شود و یا اصلا ساخته نمی شود و فرو می ریزد، احتیاط و توجه به این پنج رکن هم در ایجاد ساختمان دین لازم و ضروری است و فقدان هر یک باعث آسیب رسیدن به کل دین می شود.		

(اگر چه احادیث، روایات و آیات قرآن در شناخت هستی، انسان و شناخت خدا بسیار غنی می باشند اما در این مجال با نگاهی صرفاً علمی و تکیه بر اکتشافات دانشمندان، هستی را مرور می کنیم، مروری که ما را به حیرتی وا می دارد ..... مروری که پای علم برای طی مسیر و شناخت آن به شدت لنگ می زند.....)

اگر هستی شناخته نشود، جایگاه انسان در هستی مشخص نمی شود، تا جایگاه انسان در هستی مشخص نشود انسان شناخته نمی شود، و تا انسان شناخته نشود خدا شناخته نمی شود.

(امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمودند: مَنْ عَرَفَ نَفْسَهُ فَقَدْ عَرَفَ رَبَّهُ (شرح فروع الکافی ج ۲ ص ۳۲۳) هر که خود را شناخت، خدای خویش را شناخته است.)

ز کجا آمده ام؟ آمدنم بهر چه بود؟ اینجایی که هستیم کجاست؟ و این عالم اصلاً چه ماهیتی دارد؟ این عالم قوانینش چیست؟ سیستمش چیست؟ مقصد انسان کجاست؟ که این سوالات را در چهار بخش پاسخ می دهیم: ۱- شناخت هدف آفرینش ۲- راه رسیدن به این هدف چیست؟ ۳- وسایل ما چیست؟ و چگونه باید حرکت کنیم؟ ۴- شناخت موانع حرکت

### هستی شناسی

هستی شناسی یعنی اینکه در واقعیت های پیرامونمان دقت کنیم، واقعیهایی که در اطرافمان است این واقعیت ها ، توسط ما دیده می شوند ولی ممکن است دقت در آنها نکنیم ، نگاه دقیق این می شود هستی شناسی به واقعیت های اطرافمان دقیق نگاه کنیم و ببینیم نقش ما در این صحنه چیست؟

زمستان... برف و باران ... بهار... نیاز حیوانات و گیاهان به آب.... چطور این نظم و مدیریت در عالم شکل گرفته ؟ تنوع کثرت موج-ودات! عظمت و گستردگی پهنای هستی! دقت کنیم در اینکه بینیم عالم چقدر بزرگ است! از زمین بالا می رویم اما قبل از اینکه برویم بالا زمین را مقایسه می کنیم با جثه خودمان زمین در برابر جثه ما چقدر بزرگ است؟

نکته : شگفتی ها و اسرار خلقت انسان و زمین و کهکشان ها در جای دیگری بررسی می شود الان برای شناخت پیرامون مان به کمک علم نجوم فقط به وسعت سیارات و ستارگان اطرافمان می پردازیم.

کوچکی انسان در برابر .... کره زمین.... سیارات همسایه زمین، به تعبیری نه سیاره ای که دور خورشید می چرخند، زهره، مریخ، عطارد و پلوتو این ها از زمین کوچکترند؛ مشتری، زحل، اورانوس و نپتون از زمین بزرگترند؟ مشتری ۱۳۰۰ برابر زمین است! یعنی داخل مشتری را که خالی کنید ۱۳۰۰ تا کره زمین جا می شود.

خورشید ۱۳۹۷۰۰۰ برابر زمین است!!

دانشمندان ستاره ها و سیارات را به پنج دسته تقسیم کرده اند. ۱- کوتوله ها ۲- متوسط ها ۳- غول پیکر ها ۴- ابرغولپیکرها ۵- فرا غول پیکرها و هر دسته شامل کوچک، متوسط و بزرگ.

و جالب است بدانید خورشید که ۱/۳۹۷/۰۰۰ برابر زمین است جزء کوتوله های کوچک آسمان است، و در نظر بگیری، کوچکی زمین و خورشید را در برابر سیروس، پلاکس و آرکتورس. آرکتورس تازه می شود دسته کوتوله های متوسط!، ... تا برسد به غول پیکری مثل آنتارس، باز خود آنتارس در مقابل غول پیکرهای بزرگتر در مقابل پیستول استار....

و این ها تازه ابرغول پیکرهای هستند که در کهکشان راه شیری شناخته شده اند. در کهکشان راه شیری فقط دویست تا سیصد میلیارد سلوئه تخمین زده شده است و بصورت اجمالی می گویند بیش از صدها میلیارد کهکشان دیگر وجود دارد، صدها میلیارد که الان سایت ناسا می گوید، حداقل صد و بیست میلیون را ما یقین داریم.

خب حالا سوال اینجا این است که بالاخره انتهای جهان کجاست؟ آیا می شود ما به انتهای جهان برسیم؟ آیا جهان به همین ستاره ها ختم می شود؟ قطعاً نه. آنچه بشر تاکنون شناخته یک مقدار ناچیزی از هستی است، و جهان قطعاً به این ستاره ها که بشر شناخته ختم نمی شود و به قول انیشتین یک ریگ است در یک ساحل شنی! تازه بشر هم که حرکت نکرده که به اینها

برسد فقط قدرت تلسکوپ هایش می تواند آنها را رصد کند تازه در ابتدای راه هستیم....

این شد آسمان اول، آسمان دومی داریم! آسمان دوم کجاست؟ این ها را دانشمندان نجوم و فیزیک نظریه داده اند اما دست علم کوتاه و ناتوان است...

از امام صادق علیه السلام پرسیدند! امام بیان فرمودند: آسمان دوم محیط بر آسمان اول است، و آسمان اول در دل آسمان دوم است و فرمودند آنقدر آسمان دوم بزرگتر است که آسمان اول ر برابر آسمان دوم مثل حلقه ای است در یک بیابان وسیع. و باز خود آسمان دوم در برابر سوم حلقه است در یک بیابان وسیع، بعد تازه این هفت آسمان، تازه **عالم ملک** است، که این عالم ملک یک بخش کوچکی است از هستی و حقیقت هستی عالم ملک است تازه، که عالم ملک اصلا در برابر ملکوت صفر است یک گذرگاه است، یک راه پله است! حقیقت حیات و هستی در ملکوت است.

عالم ملک همین پله هاست قرارگاه نیست، گذرگاه است و قرارگاه آنجا باید دید که چقدر زیباست اگر عالم ملک که گذرگاه است اینقدر زیباست و اینقدر شگفتی و اسراردار! پس عالم ملکوت چه خبر است! خیلی عجیب است! خیلی زیبا و خیلی شگفت انگیزتر از آنچه که در این دنیا ما می بینیم آن وقت عالم ملکوت خودش هم عواملی دارد، عالم لوح و بعد که بین عالم ملک و ملکوت برزخ است. برزخ بین عالم ملک و ملکوت است، در ابتدای عالم لوح است! و آن وقت برزخ چقدر بزرگ است؟ از امام صادق علیه السلام پرسیدند؛ برزخ چقدر بزرگ است، فرمودند: بزرگی برزخ نسبت به دنیای شما مثل بزرگی دنیا ی شماست نسبت به عالم جنین! و بعد حالا عوالمی که وجود دارد در ملکوت، عالم لوح که عالم لوح را می توانیم بگویم هارد هستی است! شما می توانید بگویید که عالم ملک مثل مانیتور است؛ که هیچ دخالتی در پردازش کامپیوتر ندارد، فقط نشان دهند بخشی از چیزهای است که توی هارد است! الان روی این صفحه شما همه آنچه را که روی هارد است را می بینید؟ نه یک بخش بسیار بسیار کوچک نسبت به مجموعه ی اطلاعاتی که روی هارد است.

و بعد از عالم لوح، عالم قلم است که می توانید تشبیه اش کنید، عالم قلم را در کل هستی به ورودی ها به مثلا صفحه کلید که شما در کامپیوتر دارید. و بعد از عالم قلم عالم کرسی است، کرسی را می توانید تشبیه کنید به سی پی یو پردازشگر کامپیوتر و بعد عالم عرش که عرش را می توانید بگویید حکم مادربرد را دارد برای کامپیوتر. عرش برای کل هستی حکم مادربرد برای کامپیوتر را دارد. هماهنگ کننده همه قطعات

پس توجه کنیم که وقتی می گوئیم الحمدلله رب العالمین یعنی شکر خدایی که پروردگار همه این عالم هاست، مدیر و مدبر همه این عالم هاست و بعد شما ستایش می کنید و سپاس می گوئید این خدا را، چون همه اینها برای ماست! اگر برای ما نبود جای سپاس وجود نداشت دیگه، وقتی شما یک چیزی را سپاس گذاری می کنید چون منفعتش به شما می رسد.

عالم ملک آسمان اول دارد تا آسمان هفتم، آسمان اول وجود مادی دارد و عالم ماده ابعادی دارد؛ موجود بدون بعد نقطه، یک بعدی (طول) خط، دوبعدی (طول و عرض) تصویر نقاشی، سایه، سه بعدی (طول و عرض و ارتفاع) اجسام، موجودات، انسان، چهار بعدی (طول، عرض، ارتفاع و زمان) که خارج از عالم مادی و پنج بعدی (طول، عرض، ارتفاع، زمان و انرژی) همانطور که می بینید هر چه ابعاد موجود بیشتر می شود قدرت و توانایی آن نیز بیشتر می شود، مثلا ما که ۳ بعدی هستیم بر تصویر و سایه که ۲ بعدی هستند محاطیم و سیطره داریم و موجودی که در بعد چهارم باشد بر زمان نیز مسلط است.

دانشمندان فیزیکدان به این نتیجه رسیده اند که عوا لم موازی وجود دارد در کنار این عالم، تاثیر آن عوالم را بر این عالم اثبات کردند و از راه دقت در فتون های نور اینها اثبات شده برایشان که عوالم دیگری وجود دارد که فتون های نور را در این عالم تحت تاثیر قرار می دهد. از این راه فهمیده اند که آن عوالم وجود دارد، در آن عوالم می شود که ما حضور پیدا بکنیم و اگر آنجا حضور پیدا کردیم، محدودیت ها از ما برداشته می شود، هر چی می روی بالاتر محدودیت های کمتری را می بینی، تا به عالم ملکوت برسی، در عالم ملکوت به چه شکل است؟ هیچ محدودیتی وجود ندارد، محدودیت زمانی، مکانی، همه این محدودیت ها برداشته می شود.

پروفسور ریچارد فایمن از دانشمندان انگلیسی، فیزیکدان بسیار ماهر و بزرگ؛ ایشان می گوید: اکنون سخن بر سر بود یا نبود این عوالم نیست، سخن بر تعداد سطوحی است، که این عوالم دارند! و قوانین بنیادی مخصوص به خود، سخن بر این است، اختلاف در اینجاست، تعداد سطوح در هر عالم چقدر است؟ و قوانین بنیادی مخصوص به آنها چیست؟ اصل اینکه عوالم دیگری را داریم اثبات شده از نظر علمی، چون تاثیراتش را دیدن، بر روی فیزیک این عالم ماده.

(و شاهد قرآنی : فَفَضَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ (فصلت ۱۲) در این هنگام آنها را بصورت هفت آسمان و بَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا (نبأ ۱۲) و بر فراز شما هفت (آسمان) محکم بنا کردیم.)

یک مثال ساده که بخواهیم بزنییم، شما الان از اینجا که به سمت کره ماه می روید، اینجا وزن دارید! هر چی می روید بالاتر چی می شود؟ بله وزن کمتر می شود و مواجه می شوید با بی وزنی! آیا دیواری این وسط بود؟ نه، این کم کم همین طور هر چی بالاتر می روید! این وزن، در واقع نمودش کاهش پیدا می کند؛ خب، همین طور این عوالم هم این طوری، دیواری نیست! که بگوییم یک دیوار حائل بین این آسمان و آن آسمان هست؟ نه، همین طور وقتی می روید بالاتر محدودیت هابرداشته می شود! کم کم تا به جای می رسد، کاملاً این محدودیت برداشته می شود و اما این نکته هم دقت کنید که ما وقتی می گوییم الان، مثلاً آسمان دوم، بعد از آسمان اول است یا ملکوت بعد از ملک است؛ این به این معنی نیست که الان ما در عالم ملکوت نیستیم! یک مثالی را توجه بفرمایید: الان در نقشه، در نقشه جغرافیایی وقتی شما نگاه می کنید، الان ما در شهر تهرانییم، اما در استان تهران و در کشور ایران و قاره آسیا و کره زمین هم هستیم، در منظومه شمسی هستیم، در کهکشان راه شیری، هستیم؛ خب، این عوالم هم همین طور است، الان ما در عالم لوح هستیم؟ بله، اگر کسی درک نکند مفهوم عالم لوح را، می فهمد که الان در عالم لوح هست، و صور برزخی را می تواند ببیند. که یک نمونه دیگر اثبات وجود عوالم موازی تجربیات کسانی است که مرگ تقریبی را تجربه کردن و مدتی روحشان از بدنشان بیرون رفته، بعد دوباره به بدن برگشته و خواب هم یکی از شواهد وجود عوالم دیگر است خواب چند نوع است، می دانید؛ خواب بخشیش در واقع تجسم افکار روزانه انسان است، اما یک خواب های است **رویاهای صادقه** که شما ماجرای را می بینید، بعد اتفاق می افتد؛ این ماجرا را قبل از اینکه اتفاق بیافتد، دیدی! این یعنی چی؟ یعنی شما فراتر از زمان حرکت کرده اید! و اینکه شما فراتر از زمان حرکت کردی.

شما اگر سفر فضایی داشته باشید مثلاً الان بیست سالتان است، شانزده سال نوری از زمین فاصله بگیرید، در صفر ثانیه، بدون گذشت زمان، اگر شما در صفر ثانیه بتوانید شانزده سال نوری از زمین فاصله بگیرید و آنجا تلسکوپی باشد یا دوربینی که رصد کند حیاط منزل شما را، شما تصویر کودکی خودتان را مثلاً در چهار سالگی می بینید، که خودتان دارید آنجا بازی می کنید. این تصاویر تازه مادی است، ما یک تصاویر ملکوتی داریم از اعمالمان، حقیقت اعمال ما آن تصویر در عالم لوح ثبت می شود، مثلاً اینجا اگر کسی حرام می خورد، تصویر که در عالم لوح ثبت می شود، تصویر خوردن نیست، تصویر آتش خوردن است، حقیقتش در آنجا ثبت می شود، انسان بعد از مرگ، حقیقت اعمال خودش را می بینید؛ تمام این کسانی که گزارش مرگ تقریبی خودشان را دادند، این مسئله را نوشتن که ما تمام اعمال خودمان را دیدیم در یک جا، از بدو تولد تا لحظه مرگ، همه را دیدیم! در قالب زمان هم نیست، آنجا فرا زمانی است، همه را می توانی ببینی در صفر ثانیه.

(يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ (رعد ۳۹) خداوند هر چه را بخواهد محو، و هر چه را بخواهد اثبات می کند؛ و «ام الكتاب» [لوح محفوظ] نزد اوست.)

یک راه دیگری هم برای اینکه ما عوالم دیگر را ببینیم، **شهود** است، کشف شهود؛ که این باز دوباره نیاز به یک فرایندی دارد، انسان اگر روحش را صاف کند، زلال کند، مدتی از گناه فاصله بگیرد، آن وقت ملکوت آسمان و زمین را می بینید، حقایقی را می بیند که دیگران نمی بینند؛ چشم برزخی پیدا می کند.

(حدیث معراج، حدیث معراج پیامبر خدا(ص) که فرمودند: من جهنمی ها را دیدم، بهشتی ها را دیدم، اینها صور برزخی اینهاست؛ صور برزخی اینها را پیامبر خدا(ص) دیده بود.)